

آسیب شناسی دین

مهدی بازبین^۱

چکیده

مقاله حاضر به روش مروری- کتابخانه ای است، که با توجه به نظرات اندیشمندان این عرصه به رشته تحریر در آمده است. هدف این مطالعه بررسی آسیب شناسی دین انجام گرفته است. محتوای لازم برای نگارش این مطالعه از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی SID، scholar G و موتور جستجوی گوگل بدست آمده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد: آسیب شناسی دینی در صدد کشف و تحلیل کج روی‌های معرفتی و رفتارهای دینی و معرفی راه کارهای درمان آن‌ها است. آسیب‌ها و بحران‌های دینی و به تبع، پیشگیری و درمان آن‌ها به دو شاخه تعلق دارد: نخست به ماهیت و چیستی دین و دوم به وجود و تحقق خارجی دینداری در جامعه.

واژگان کلیدی: آسیب شناسی، دین، جامعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه

گاهی دین و دین‌داری به لحاظ عدم رویکرد و توجه عمیق به دین و سطحی‌نگری و قشری‌گرایی در دین، دچار آسیب و آفت می‌گردد و در اثر این آفت، باورهای دینی هویت اصلی خود را از دست می‌دهند. گاهی این آسیب از ضعف باورها و رفتارهای دینی و ظهور سستی در بنیادهای اخلاقی و بی‌اهمیتی به ارزش‌های دینی است و گاهی هم بر اثر بی‌ایمانی، اباحی‌گری و دین‌گریزی. بحران‌های ناشی از آسیب دین و دین‌داری عمیق و گسترده است و می‌تواند به بحران‌های روحی و فکری، بحران‌های فرهنگی و اعتقادی، بحران‌های سیاسی و اجتماعی، شکسته شدن حریم‌های فردی و اجتماعی و بی‌هویتی آدمی منجر گردد. به دلیل آسیب دیدن دین و آفت زدگی دین‌داری، حریم‌های انسانی و مرزهای سلوک اجتماعی متزلزل می‌شود و انواع تعدی‌ها و حرمت‌شکنی‌ها ظهور می‌کند. این همه از جمله مصیبت‌هایی است که در طول نیم قرن پس از ارتحال رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) جهان اسلام را به خود مبتلا ساخت. تلاش‌های گسترده امام علی (علیه السلام)، امام حسن مجتبی (علیه السلام)، و امام حسین (علیه السلام) در طول نیم قرن در راستای از بین بردن آسیب‌ها و آفت‌های وارد بر دین و دین‌داری و برگرداندن امور به مسیر اصلی بود، ولی متأسفانه به علت عمیق بودن انحرافات و شکاف‌های به وجود آمده، فجایع عظیمی در جهان اسلام به وقوع پیوست. حرکت و قیام امام حسین (علیه السلام)، اقدامی در جهت مبارزه با آسیب‌های وارد بر دین و دین‌داری بود. حضرت در مراحل گوناگون قیام و حرکت خود، در نامه‌ها و سخنرانی‌های متعددی که به مناسبت‌های گوناگون ارائه نمود، به این آفت‌ها اشاره کرد. در این مختصر، آسیب‌های وارد بر دین و دین‌داری از منظر سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته همه آسیب‌ها و آفت‌های مطرح شده در یک سطح و رتبه نیست. بعضی از آن‌ها نقش زیربنایی تری دارد و بلکه به عنوان علت محسوب می‌گردد؛ بعضی نیز ممکن است معلول بعضی دیگر باشد. در این مجموعه، همه آسیب‌ها به طور مستقل مورد بررسی قرار گرفته است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۹).

مفهوم «آسیب‌شناسی»

اصطلاح «آسیب‌شناسی» در همه رشته‌های علوم، اعم از کاربردی و انتزاعی، پایه و غیرپایه، تجربی و طبیعی، انسانی و غیرانسانی و به ویژه در روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، کاربرد خاص خود را دارد. این اصطلاح امروزه معادل واژه «Pathology» شناخته می‌شود. به همین دلیل، تأمل در این واژه و مشتقات آن خالی از فایده نیست. «Patho» به مفهوم «بیماری و آسیب» است، «Pathology» یعنی آسیب‌شناسی، و «Pathological» به معنای وابسته به آسیب‌شناسی، یا آسیب‌شناختی. اصطلاح «پاتولوژیست» به آن دسته از متخصصان پزشکی اطلاق می‌شود که با ناهنجاری‌های اعضا سر و کار دارند. سایر متخصصان از دیگر رشته‌ها، از اصطلاح «پاتولوژیست» استفاده می‌کنند.

آسیب‌شناسی اجتماعی

علوم اجتماعی در اثر مشابهت‌سازی (در قرن نوزدهم) میان کالبد انسانی و کالبد جامعه و بیماری‌های عضوی و بحران‌های اجتماعی، دانش نوی به نام آسیب‌شناسی اجتماعی (social pathology) جهت مطالعه عوامل و ریشه‌های بی‌نظمی‌ها و بیماری‌های اجتماعی پدید آورد. آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی به عاریه گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند (آریان پور، ۱۳۹۷).

هدف از آسیب‌شناسی دینی

آشنایی با مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی روشن می‌کند که آسیب‌شناسی دینی در صدد مطالعه، شناخت، پیشگیری از کجروی و جلوگیری از بازگشت مجدد بحران‌هایی است که با انتظار منطقی از دین، جامعه دینی و ماهیت اسلام سازگاری ندارد. بنابراین آسیب‌شناسی دینی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: آسیب‌شناسی دینی یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است که وارد شود. لازم به ذکر است که آسیب‌ها و بحران‌ها و به تبع، پیشگیری و درمان آنها به دو شاخه تعلق دارد: نخست به ماهیت دین و دوم به تحقق خارجی دین.

ماهیت دین عبارتست از مجموعه حقایقی که به وسیله خداوند توسط پیامبران الهی برای هدایت انسان‌ها نازل گردیده است. ماهیت دین به لحاظ اعجاز قرآنی از انحراف و اعوجاج مصون و لیکن در ناحیه روایات از طرف دروغ‌پردازان و جاعلان حدیث به آسیب‌های فراوانی مبتلا گردیده است. از این‌رو عملیات آسیب‌شناسی به طور جدی و عمیقی نسبت به روایات به خصوص روایاتی که در اختیار عامه قرار دارد، لازم و ضروری است. اما وجود و تحقق خارجی دین عبارتست از دینی که در جامعه متدینان جریان پیدا می‌کند و نهادهای اجتماعی و روابط میان دین‌داران را پدید می‌آورد. موافقان، مخالفان و مذاهب متنوع را پدید می‌آورد. البته این حقایق و امور خارجی اگر چه به دین منسوب‌اند ولی تنها زاینده ماهیت دین نیستند بلکه ده‌ها عامل فرهنگی، اجتماعی و روانی نیز بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد. در تعریف اصطلاح آسیب‌شناسی دینی، دین به عنوان یک مجموعه و پیکره‌ی واحد در نظر گرفته می‌شود که از ناحیه عوامل متعدد در معرض خطر و آسیب قرار می‌گیرد. لذا برای حفظ پیکره دین باید به شناخت آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌کنند پرداخته، آن‌ها را دفع یا رفع نمود (رهنمایی، ۱۳۹۸).

دیدگاه شهید مطهری

شاید بتوان ادعا کرد که شهید مطهری اولین کسی بود که اصطلاح آسیب‌شناسی دینی را وارد حوزه اندیشه دینی کرد. آسیب‌های دینی می‌تواند عوامل و خاستگاه‌های گوناگون داشته باشد ولی مجموع آنها

در دو بعد ظهور پیدا می‌کنند. بعد اول مربوط به عقاید و معرفت دین‌شناسان و یا مدعیان دین‌شناسی و بعد دیگر مربوط به عمل و رفتار دین‌داران و متظاهران به دین‌داری می‌باشد.

جایگاه آسب شناسی دین و دین‌داری

دین زیباترین جلوه رحمانیت خداوند برای هدایت نوع بشر است، و دین‌داری رویکرد به این رحمانیت و سیر در مسیر هدایت. در این مسیر، پیوسته رهنمایی به صورت آفات دین و دین‌داری ظهور کرده اند که شناخت آن‌ها و پرداختن به سلامت و بهداشت دین‌داری از مهم‌ترین آداب در چنین سیری است. واژه «دین» در لغت، به معنای گوناگونی به کار رفته است؛ از جمله در فرهنگ‌های فارسی، ۶ به معنای آیین، کیش، راه، روش، قانون، حق و داوری، و در مفردات، ۷ به معنای طاعت و جزا آمده است. تفلیسی نیز در وجوه قرآن، هفت وجه (توحید، داوری کردن، فرمان برداری، پاداش، شمار، خُو و کیش) برای آن ذکر کرده است. استاد جوادی آملی «دین» را در لغت، به معنای انقیاد، پی‌روی، اطاعت، تسلیم و جزا می‌داند. از نظر اصطلاحی نیز برای «دین» تعاریف گوناگونی ارائه شده است. بعضی به صورت عام بر حسب مفهوم جامع مشترک و یا خصوصیات مشترک ادیان، به تعاریف فراگیری از «دین» پرداخته‌اند، بعضی نیز با ارائه تعاریف ماهوی، به تجلیل هویت آن می‌پردازند؛ برخی تعاریفی روان‌شناختی از دین ارائه می‌دهند و گروهی تعاریفی جامعه‌شناختی یا غایت‌گرایانه و یا اخلاق‌گرایانه (جعفری، ۱۳۹۸).

در میان تعاریف ارائه شده، به تعریفی که در کتاب ارزشمند شریعت در آینه معرفت آمده است اشاره می‌نماییم:

«معنای اصطلاح آن [دین]، مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد.»

نویسنده محترم کتاب در ادامه بحث متذکر می‌گردد: «گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی مخلوطی از حق و باطل است.» دین حق، حقیقتی متعالی و امری قدسی است و از این نظر، فراتر از آسب و آفت است. در امور الهی خطا و اشتباه و آسب و آفت راه ندارد. خطاپذیری و اشتباه در حیطه امور بشری است. از این رو، آسب و آفت در بحث آسب شناسی دین و دین‌داری به حقیقت دین باز نمی‌گردد، بلکه به نحوه رویکرد انسان‌ها به دین و فهم و تلقی آدمی از دین و نوع معرفت دینی و شیوه دین‌داری باز می‌گردد (رهنمایی، ۱۳۹۸).

اصطلاح «آسب شناسی دینی» اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی است. «آسب شناسی دینی» یعنی: شناخت آسب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود؛ زیرا دین‌داری شامل دو عرصه نظر و عمل است؛ دربرگیرنده اندیشه، معرفت، باور و ایمان دینی و نیز اقرار، کردار، رفتار و سلوک دینی و همه این‌ها به نحوی در معرض آسب و آفت قرار می‌گیرند (جعفرپور، ۱۳۹۴).

وجوه گوناگون آسیب های دین و دین داری

برای دین و دین داری با توجه به مراتب گوناگون و شدت و ضعف آن، آسیب های ذیل را می توان در نظر گرفت:

۱. عدم فهم عمیق دین و سلوک دینی؛ ۲. دریافت نادرست مفاهیم دینی؛ ۳. ضعیف شدن باورها و رفتارهای دینی؛ ۴. سست شدن بنیادهای اخلاقی؛ ۵. بی ارزش شدن ارزش های دینی؛ ۶. بی اعتقادی نسبت به دین و امور مذهبی؛ ۷. بی ایمانی؛ ۸. اباحیگری مذهبی؛ ۹. گریز از امور دینی و مذهبی؛ ۱۰. ظهور و بروز بدعت ها(معین، ۱۳۹۳).

ضرورت مسأله

تمدن و فرهنگ‌ها به لحاظ‌های گوناگون تقسیم پذیرند. پاره‌ای از آن‌ها از دین و منابع دینی تغذیه می‌شوند و هویت اجتماعی را شکل می‌دهند. جوامعی مانند ایران از این سنخند. تأثیر دین و معرفت دینی در انواع جریان‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی غیر قابل انکار است. تشکیل هیأت‌ها، مؤسسه‌های خیریه، تشکل‌های سیاسی، نهادهای دولتی به ویژه شکل‌گیری حکومت دینی، نمونه‌هایی از تأثیرپذیری فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ بنابراین، مطالعه نقادانه از مطالعات دینی در عصر حاضر، به دین پژوهی منطقی کمک فراوانی می‌کند. سالم‌سازی انقلاب اسلامی ایران در کنار دینداری مردم به اهمیت بحث از آسیب‌شناسی دینی می‌افزاید(اصفهانی، ۱۳۹۴).

بدعت و نوآوری در دین

کلمه «بدعت» در فرهنگ های فارسی به معنای چیز نوپیدا و بی سابقه، آیین نو، رسم تازه، و عقیده تازه برخلاف دین است. در کتاب مجمع البحرین، ذیل ماده «ب د ع» این گونه آمده است: «الْبِدْعَةُ بِالْكَسْرِ فَالسُّكُونُ الْحَدُثُ فِي الدِّينِ وَ مَا لَيْسَ لَهُ اَصْلٌ فِي كِتَابِ وَ لاسِنَّةً، وَ اِنَّمَا سُمِّيَتْ بِدْعَةً لَانَّ قَائِلَهَا اِبْتَدَعَهَا هُوَ نَفْسُهُ»؛ بدعت عبارت است از: نوآوری در دین، در حالی که در کتاب (قرآن) و سنت اصل و ریشه ای ندارد. و علت نام گذاری آن به بدعت به این خاطر است که فرد آن را از پیش خود ابداع نموده است. راغب اصفهانی نیز در مفردات شبیه همین مطلب را درباره بدعت در دین ذکر کرده است: «الْبِدْعَةُ فِي الْمَذْهَبِ اِيْرَادُ قَوْلٍ لَمْ يَسْتَنَّ قَائِلُهَا وَ فاعِلُهَا فِيهِ بِصَاحِبِ الشَّرِيعَةِ وَ امثالها المتقدِّمة وَ اصولُها المتقنة»؛ ۱۸ بدعت در دین و مذهب عبارت است از: آوردن سخنی که گوینده و انجام دهنده بدعت آن را از صاحب شریعت، الگوهای اولیه شریعت و اصول محکم آن نگرفته باشد(تفلیسی، ۱۳۹۵).

طبقه بندی بدعت: بدعت همواره و الزاماً ناپسندیده و گم راه کننده انسان و مخالف و مغایر با دین نیست؛ بلکه نوآوری گاه ناپسند و گم راه کننده است و گاه پسندیده و هدایتگر. بنابراین، می توان از بدعت ها بر پایه تقسیم افعال یا اعمال به پنج قسم واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح، طبقه بندی دیگری به دست داد و بر آن نام بدعت های پنج گانه نهاد.

طریحی در مجمع البحرین می نویسد: بعضی از شارحان حدیث گفته اند: بدعت به دو گونه است: ۱. بدعت هدایتگر ۲. بدعت گم راه کننده. آنچه برخلاف اوامر الهی و رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) باشد در جایگاه نکوهش و انکار است، و آنچه به طور عموم، تحت آن چیزی است که خداوند ستوده و بر آن خدا یا رسولش پاداش قرار داده، در جایگاه مدح است.

این توجه و عنایت دینداران و عالمان دینی به تحریف منحرفان و بدعت‌گذاران به جهت رسالت و وظیفه دینی آن‌ها است و این رسالت، به عالمان اسلام اختصاص ندارد. سقراط، افلاطون، ارسطو، نو افلاطونیان و متفکران قرون وسطا از جمله آگوستین قدیس، آنسلم قدیس، توماس آکوئیناس و اندیشه‌وران جدید و معاصر مانند دکارت، اسپینوزا، کانت و فیلسوفان اگزیستانس و ... نیز عهده‌دار این رسالت بوده‌اند. بیش از همه، پیشوایان دین یعنی پیامبران و اولیای الهی در آسب‌شناسی و آسب‌زدایی در عرصه‌ی معرفت و رفتار دینی کوشده‌اند. تاریخ اسلام، مملو از دغدغه‌های رسول اکرم و امامان اطهار: در قبال انحراف‌های دینی منافقان و کج‌اندیشان و بدعت‌گذاران است (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

نهادهای دینی

شناخت آسیب‌ها و آفاتی که دامن‌گیر نهادهای دینی‌ای همچون حوزه‌های علمیه و سایر نهادهایی که متولی امور دینی جامعه هستند می‌گردد. در این میان آسب‌شناسی یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین نهادهای دینی؛ یعنی نهاد روحانیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گفته شهید مطهری کسانی که آرزوی اعتلای آیین مبین اسلام را در سردارند و درباره علل ترقی و انحطاط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند نمی‌توانند درباره دستگاه رهبری آن یعنی سازمان مقدس روحانیت نیندیشند و آرزوی ترقی و اعتلاء آن را در سر نداشته باشند و از مشکلات و نابسامانی‌های آن رنج نبرند؛ زیرا قدر مسلم این است که اگر هر گونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین رخ دهد یا باید مستقیماً به وسیله این سازمان که سمت رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد یا لاقلاً با این سازمان هماهنگی داشته باشد. برای نهاد روحانیت و علمای حوزه‌های علمی ضروری است که با زمان پیش بروند. همواره با تحول ایام، انسان‌ها و جوامع نیز متحول می‌شوند و این تحول سؤال‌های تازه‌ای را فراروی دین قرار می‌دهد و از آن پاسخ تازه‌ای می‌طلبد. اگر علما و مفسران دینی نتوانند به سؤالات نسل جدید و شبهات عصر جدید پاسخ مناسب دهند و نسل جدید پاسخ سؤال‌های خویش را در مکتب‌های فکری دیگری بیابد طبیعی است که از دین دست کشیده و به سوی مکتب‌های بشری روی می‌آورد. لذا بر حوزه‌های علمیه و عالمان دینی فرض است که با اجتهاد پویا در همه زمینه‌های فلسفی، کلامی، فقهی و قرآنی، اسلام را متناسب با نیازهای بشر امروز ارائه نموده و با نگاهی عالمانه به استقبال سؤالات و شبهات جدید بشتابند. تحول در عرصه‌های فقهی و کلامی و فلسفی با توجه به مقتضیات زمان امری ضروری است. مراکز و نهادهای غیرحوزوی نیز، که برخی افراد در آن به نحوی متکفل آموزش دینی هستند، در معرض آسیب قرار دارد و خود همین امر ضرورت تربیت نیروهای ویژه آموزش‌گر، که به خوبی با مبانی دینی آشنایی

دارند، را اقتضا می‌کند. شیخ محمد غزالی، از نویسندگان مصری معاصر، لزوم تربیت و آموزش گروه خاصی از افراد که کار اصلی و تخصصی آنان تفقه در اسلام و احاطه بر علوم آن و نیز اشراف بر آموزش آن به عامه مردم و تربیت نسل‌های جدید و غور در نصوص و احکام در جهت رفع شبهات و رد افتراءات مخالفان دین است، را یادآور می‌شود و علاوه بر آن تخصص در دانش‌های دینی را یک ضرورت علمی و عبادت به شمار آورده و بیشتر آسیب‌ها و نکبت‌هایی که دامن‌گیر دین شده را ناشی از کمبود علمای راسخ و خبرگان اهل تفقه می‌داند (جعفری، ۱۳۹۸).

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مباحث مهم در امر دین و دین داری، بحث «آسیب شناسی دین و دین داری» است. از نظر امام حسین (علیه السلام) ظهور و بروز بدعت‌ها از آسیب‌های بسیار مهم به شمار می‌آید. به همین دلیل، این موضوع در نامه‌ها و سخنرانی‌های ایشان، انعکاس گسترده‌ای یافته است. اینکه رسوم زشت به اسم دین در جامعه نشر و گسترش یابد اثرات نامطلوبی به همراه دارد. از دیگر آسیب‌ها، متروک شدن سنت نبوی و سیره علوی است. قرآن کریم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را الگوی حسنه معرفی می‌نماید. پرداختن به زندگی، منش و روش و اصول عملی در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام)، پرداختن به گنجینه‌ای بس گران بهاست. بنی‌امیه به خوبی می‌دانستند مادام که سیره نظری و عملی پیامبر و امام علی (علیه السلام) مقتدای مسلمانان است و بر سبیل آن‌ها طی طریق می‌کنند راه سلطه کامل بر آن‌ها بسته است و تمام نقشه‌ها و برنامه‌های بنی‌امیه نقش بر آب. به همین دلیل، تمامی تلاششان را صرف دور نگه داشتن مسلمانان از آن سرچشمه فیاض فضایل و نیکی‌ها می‌کردند. و بالاتر از این، هزینه‌های زیادی را صرف مشوه جلوه دادن چهره اسلام و الگوهای اصیل آن نمودند. برای نمونه، اشعار یزید بن معاویه، نمونه بارز بی‌اعتقادی آن‌ها به اسلام و پیامبر عظیم الشأن است. او در این اشعار سعی می‌کرد حرکت پیامبر را صرفاً یک رقابت قبیلگی برای کسب قدرت و سلطنت نشان دهد.

منابع

- ✓ مصطفی دلشاد تهرانی، رهنزان دین، تهران، دریا، ۱۳۹۹، ص ۳۸-۳۹.
- ✓ منوچهر آریان پور، فرهنگ پیشرو آریان پور، تهران، جهان رایانه، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۳۷۷۰-۳۷۷۱ /
- داریوش آشوری، فرهنگ علوم انسانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۴، ص ۲۶۵.
- ✓ سیداحمد رهنمایی، «آسب شناسی فرهنگی»، مجله معرفت، ش ۳۰ (پاییز ۱۳۹۸)، ص ۲۵.
- ✓ مصطفی دلشاد تهرانی، پیشین، ص ۳۳ (۱۳۹۷).
- ✓ محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۵۹۷.
- ✓ راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تهران، المكتبة المرتضویه، ص ۱۷۷، (۱۳۹۴)
- ✓ ابوالفضل جیش بن ابراهیم تفرسی، (۱۳۹۵) وجوه قرآن، به اهتمام دکتر مهدی محقق، تهران، بنیاد قرآن، ص ۱۰۰-۱۰۲.
- ✓ عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، تهران، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۹۲، ص ۹۴.
- ✓ محمدتقی جعفری، فلسفه دین، با کوشش عبدالله نصری، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۹۸، ص ۳۸.
- ✓ حسن جعفرپور، آسب شناسی تربیت دینی، مجموعه خلاصه مقاله های همایش آسب شناسی تربیت دینی، تهران، دفتر همکاری مشترک سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و جهاد دانشگاهی (ساجد)، ۱۳۹۴، ص ۴۴.